

Submit Date: 05 August 2025

Revise Date: 24 November 2025

Accept Date: 02 December 2025

Initial Publish Date: 25 December 2025

Final Publish Date: 23 September 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Legal Analysis of Egg Donation Sale Contracts in the Iranian Legal System: Challenges and Solutions

Zahra Boronosi¹, Mansour Amirzadeh Jirkoli^{*2}, Mohammad Ali Saeedi³

1. Department of Jurisprudence and Private Law, ToH.C., Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran

2. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, ToH.C., Islamic Azad University, Torbat-e Heydarieh, Iran

3. Assistant Professor, Department of Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran

* Corresponding Author's Email: ma.amirzadehj@iau.ac.ir

ABSTRACT

Egg sale contracts in the Iranian legal system exist within an ambiguous and contentious legal framework due to the absence of an independent governing law and the ongoing jurisprudential and legal debates between proponents and opponents of egg donation transactions. This ambiguity has given rise to serious jurisprudential, ethical, and legal concerns. In light of these complexities, the purpose of the present study is to provide a legal analysis of such contracts from various legislative perspectives, identify the key legal challenges, and propose appropriate legal solutions to establish their legitimacy and proper regulation. This study employs a descriptive-analytical method and is based on library research. The findings indicate that the validity of egg sale contracts depends on the fulfillment of the essential elements of a valid contract, including the genuine and informed consent of the parties, the determinacy of the subject matter, the ownership of the seller, and the lawfulness of the transaction. Furthermore, the study emphasizes the necessity of strict supervision by medical institutions and judicial authorities to ensure the protection of the parties' rights, human dignity, and the rights of the resulting child. Jurisprudential disagreements over the permissibility of egg donation and the prohibition of its sale, combined with the lack of clear statutory regulations, have created multiple legal-ethical risks. Therefore, drafting comprehensive legislation, developing standardized model contracts, and establishing effective supervisory mechanisms are essential for the legal and jurisprudential regulation of this phenomenon.

Keywords: *Egg sale contracts, Iranian legal system, challenges and solutions*

How to cite: Boronosi, Z., Amirzadeh Jirkoli, M., & Saeedi, M. A. (2026). Legal Analysis of Egg Donation Sale Contracts in the Iranian Legal System: Challenges and Solutions. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(3), 1-20.



تاریخ ارسال: ۱۴ مرداد ۱۴۰۴
تاریخ بازنگری: ۳ آذر ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۱ آذر ۱۴۰۴
تاریخ چاپ اولیه: ۴ دی ۱۴۰۴
تاریخ چاپ نهایی: ۱ مهر ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

تحلیل حقوقی قراردادهای خرید و فروش تخمک در نظام حقوقی ایران: چالش‌ها و راهکارها

زهرا برونسی^۱، منصور امیرزاده جیرکلی^۲، محمد علی سعیدی^۳

۱. گروه فقه و حقوق خصوصی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: ma.amirzadehj@iau.ac.ir

چکیده

قراردادهای خرید و فروش تخمک در نظام حقوقی ایران با توجه به عدم وجود قانون مستقل و ارتباطات نزدیک آن با مخالفان و موافقان فقهی و قانونی خرید و فروش تخمک، در فضای حقوقی مبهم و چالش‌برانگیزی قرار دارند که نگرانی‌های فقهی، اخلاقی و حقوقی را به همراه دارد. با توجه به این مشکلات، هدف این مطالعه، تحلیل حقوقی این قراردادها از جنبه‌های مختلف قانونی و شناسایی چالش‌های مطروحه و ارائه راهکارهای حقوقی مناسب برای احراز مشروعیت قانونی و ساماندهی آن‌ها است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد، اعتبار قراردادهای خرید و فروش تخمک منوط به تحقق ارکان اصلی عقد از جمله قصد و رضایت آگاهانه طرفین، معین بودن موضوع، مالکیت فروشنده و مشروعیت معامله است. همچنین، ضرورت نظارت دقیق مراکز درمانی و مراجع قضایی برای تضمین حقوق طرفین و حفظ کرامت انسانی و حقوق کودکان مورد تأکید قرار گرفت. اختلافات فقهی پیرامون جواز اهدای تخمک و ممنوعیت خرید آن به همراه فقدان قوانین شفاف، مخاطرات متعدد حقوقی-اخلاقی شده است. تدوین قوانین جامع، تهیه نمونه قراردادهای استاندارد و ایجاد سازوکارهای نظارتی کارآمد برای ساماندهی حقوقی و فقهی این پدیده ضروری است.

کلیدواژگان: قراردادهای خرید و فروش تخمک، نظام حقوقی ایران، چالش‌ها و راهکارها

نحوه استناددهی: برونسی، زهرا، امیرزاده جیرکلی، منصور، و سعیدی، محمد علی. (۱۴۰۵). تحلیل حقوقی قراردادهای خرید و فروش تخمک در نظام حقوقی ایران: چالش‌ها و راهکارها. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴ (۳)، ۱-۲۰.

این رویکرد، به‌ویژه پس از تشکیل نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر فقه شیعه، اهمیت بیشتری یافته و افق‌های جدیدی را در عرصه حقوقی و فقهی گشوده است. البته ضوابط و شرایط اجرای این احکام، در تعیین حکم نهایی و جواز یا منع موضوع، تأثیرگذار خواهد بود. در ادامه، تطبیق اصول و ضوابط اجرایی بر مصادیق متعدد، به‌ویژه در مسائل نوظهور، از مهم‌ترین و در عین حال دشوارترین مراحل تحقیق محسوب می‌شود؛ چرا که نتیجه همه مباحث، در شناخت و تحلیل مبانی پذیرفته‌شده، در این مرحله به بار می‌نشیند.

در خصوص حکم شرعی اهدای گامت، با توجه به سکوت قانون در مورد صحت یا بطلان تلقیح مصنوعی زن با تخمک بیگانه و نیز ممنوعیت یا عدم ممنوعیت این عمل، برابر اصل ۱۶۷ قانون اساسی، رجوع به فتاوی معتبر فقها برای استنباط حکم الزامی است. هرچند این مسئله از موضوعات نوپدید است و در فقه اسلامی سابقه مستقلى ندارد، اما فقها با استناد به مبانی مختلف، نظرات متفاوتی در خصوص جواز یا عدم جواز این عمل ارائه داده‌اند. در نتیجه، وحدت رویه‌ای در فقه در این زمینه وجود ندارد و می‌توان گفت که این روش دارای موافقان و مخالفانی است. برخی از فقها همچون آیات عظام آیت الله خامنه‌ای،^۱ موسوی اردبیلی^۲، صافی گلپایگانی^۳، روح‌ا... موسوی خمینی^۴، مکارم

با پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه درمان ناباروری، خرید و فروش تخمک به عنوان یکی از روش‌های کمک‌باروری، به مسئله‌ای مهم در عرصه حقوقی و فقهی ایران تبدیل شده است. نخست باید روشن شود که آیا تخمک زن از منظر حقوقی «مال» محسوب می‌شود و قابلیت قرار گرفتن در قالب قرارداد بیع را دارد یا خیر. سپس باید بررسی کرد که آیا اهدای گامت از نظر حقوقی مجاز است یا با موانع قانونی مواجه می‌باشد. در این میان، مهم‌ترین چالش‌ها مربوط به مشروعیت قانونی این نوع باروری و آثار حقوقی ناشی از استفاده از تخمک اهدایی در نظام حقوقی ایران است. پرسش بنیادین آن است که آیا تولید نسل با بهره‌گیری از ابزارهای پزشکی، به‌ویژه از طریق اهدای گامت، قانونی تلقی می‌شود یا خیر.

مشروعیت این موضوع بر مبانی و قواعدی استوار است که ساختار اصلی بحث را شکل می‌دهند. به عبارت دیگر، جواز یا منع چنین عملی، اصولی است که از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است؛ از جمله جنبه‌های اخلاقی، فقهی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و در حوزه قانونی، با توجه به خلأهای موجود، استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، رجوع به منابع معتبر اسلامی و فتاوی فقها را ضروری می‌سازد. از اهداف اصلی این تحقیق نیز بررسی جنبه‌های فقهی و شرعی موضوع است تا ضمن تبیین پویایی فقه اسلامی در مواجهه با مسائل نوپدید اجتماعی، فتاوی صادره در این زمینه نیز تحلیل گردد.

^۱ - تلقیح زن از طریق نطفه مرد نا محرم فی نفسه اشکال ندارد ولی باید از مقدمات حرام از قبیل نگاه و لمس حرام و غیر آنها اجتناب شود (استفتائات سوال ۱۲۷۵)

^۲ - با اجازه خود زن ثالث یا با درخواست او، با اجازه و درخواست شوهرش اگر شوهر داشته باشد بی اشکال است. (استفتاء پژوهشکده ابن سینا از مراجع تقلید، باورهای پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، ص ۴۷۷)

^۳ - این عمل فی نفسه اشکال ندارد و لکن نظر و لمس اجنبی حرام است (استفتاء دکتر نسرین قاسمی از پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله صافی گلپایگانی)
^۴ - باردار نمودن مصنوعی زن با نطفه غیر شوهر جایز نیست (تحریر الوسیله، ج ۲، المسائل المستحدثة التلقیح، ص ۶۲۱)

آنچه است که به اکتساب درآید» (Ja'fari Langaroudi, 2020)، یا «مال مفهومی عرفی است و آنچه مردم مال بدانند، حقوق نیز آن را مال می‌داند». همچنین گفته شده «مال چیزی است که قابل مبادله باشد؛ خواه مادی مثل اتومبیل یا معنوی مثل طلب» و «هر چیزی که قابل تقویم به پول باشد، مال است» (A. Adl, 2006; H. Adl, 2006).

با وجود این، تعاریف مذکور همگی دارای نواقصی هستند. برای مثال، خسارت معنوی با وجود قابلیت تقویم به پول، مال محسوب نمی‌شود. همچنین برخی اشیاء که عرف آن‌ها را مال می‌داند، ممکن است از نظر قانون فاقد ارزش تلقی شوند. در نتیجه، برای تحقق وصف مال، دو عنصر اساسی باید وجود داشته باشد: قابلیت اختصاص به شخص با ملیت معین، و مفید بودن در رفع نیازهای مادی یا معنوی (Katouzian, 2010a, 2010b, 2019; M. S. Sharifi, 2022; N. Sharifi, 2022). در رابطه قراردادی میان صاحب تخمک و پذیرنده آن، با توجه به اینکه گامت انسانی نیاز هر دو طرف را برطرف می‌سازد و متضمن منفعت برای ایشان است، می‌توان وصف «مال» را به آن اطلاق کرد. این منفعت، به گامت انسانی وصف مال بودن می‌بخشد. یکی از شروط مال بودن، وجود آن در زمان عقد است. ماده ۳۶۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد که اگر در بیع عین معین، معلوم شود مبیع وجود نداشته، بیع باطل است. این حکم، با توجه به منطوق و مفهوم ماده، به سایر عقود تملیکی نیز قابل تسری است؛ چرا که امر معدوم قابل انتقال نیست (Katouzian, 2010a).

شیرازی،^۱ فاضل لنکرانی،^۲ بهجت،^۳ صانعی،^۴ خویی،^۵ و سیستانی^۶ بحث‌هایی را حجب اهدای تخمک دارند و برخی اهدای تخمک را شرعی و برخی دیگر غیرشرعی می‌دانند. در مجموع این تحقیق بدنبال این است که قراردادهای خرید و فروش تخمک در کشور ایران از لحاظ حقوقی در چه جایگاهی قرار دارد و آیا این قراردادها از لحاظ قانونی مورد استناد و قبول می‌باشد یا خیر؟

وضعیت حقوقی تخمک و جنین بالقوه در قراردادها

در نظام حقوقی ایران، انسان نسبت به فرآورده‌های بیولوژیکی بدن خود از جمله اسپرم، تخمک و جنین بالقوه، دارای سلطه و حق تصرف است. این حق، به‌عنوان امتداد حق مالکیت بر اندام، شامل گامت‌های تولیدشده نیز می‌شود. از این منظر، بررسی وصف حقوقی رابطه میان اهداکننده تخمک و مؤسسه یا کلینیک دریافت‌کننده اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که شناخت این رابطه، آثار حقوقی آن را برای طرفین مشخص می‌سازد و نحوه استفاده از تخمک را در چارچوب حقوقی روشن می‌کند.

در حال حاضر، این رابطه را می‌توان با نهادهای حقوقی شناخته‌شده‌ای چون هبه، بیع، اعراض، اذن، صلح، وکالت و قرارداد خصوصی موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی تطبیق داد. هر یک از این قالب‌ها، آثار حقوقی خاص خود را دارند و انتخاب هر کدام، بر حقوق و تعهدات طرفین تأثیرگذار خواهد بود (F. Rostami, 2021). از منظر مفهومی، تعریف «مال» در قانون مدنی ایران به‌صورت صریح ارائه نشده است، اما تقسیم‌بندی‌های آن در مواد مختلف قانون، زمینه‌ای برای تحلیل فراهم کرده‌اند. صاحب‌نظران حقوقی تعاریف متعددی از مال ارائه داده‌اند؛ از جمله «مال هر

^۵ - جایز نیست نطفه و منی مرد اجنبی را به زنی تلقیح و تزریق کنند. (استفتاء پژوهشکده ابن سینا، ص ۴۴۱ به نقل از مستحذات المسائل، مسئله‌های ۴۳-۴۵)

^۶ - با اجازه خود زن ثالث یا با درخواست او، با اجازه و درخواست شوهرش اگر شوهر داشته باشد بی اشکال است (استفتاء پژوهشکده ابن سینا از مراجع تقلید، باروری‌های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، ص ۴۷۷)

^۱ - تلقیح نطفه مرد بیگانه جایز نیست (استفتائات جدید ج ۱، ص ۴۶۴ سوال ۱۵۳۱، ج ۲، ص ۶۰۵ سوال ۱۷۵۴ و ج ۳، ص ۵۲۳ سوال ۱۴۴۲)
^۲ - قرار دادن نطفه مرد در رحم زن اجنبیه و همچنین متکون از نطفه غیر زوج جایز نیست (استفتاء پژوهشکده ابن سینا از مراجع تقلید-همان، ص ۴۷۶).
^۳ - در صورتی که معلوم باشد اشکال دارد (همان، ص ۴۷۵)
^۴ - وارد نمودن اسپرم اجنبی به رحم زن، حرام است (استفتاء دکتر نسرین قاسمی از دفتر استفتاءات حضرت آیت ا... صانعی)

منظور از معلوم بودن، رفع ابهام از طریق تعیین مقدار، جنس و اوصاف مال مورد تعهد است. در مورد گامت‌های انسانی، با توجه به ماهیت ذره‌بینی آن‌ها، تعیین دقیق مقدار اسپرم یا تعداد تخمک و جنین بالقوه ممکن است دشوار باشد، اما علم اجمالی به این موارد، با توجه به عرف و هدف احسانی برخی قراردادهای، می‌تواند کافی تلقی شود (H. Adl, 2006; N. Sharifi, 2022). مفهوم «غرر» نیز در تحلیل معلوم بودن موضوع تعهد نقش دارد. غرر به معنای جهلی است که نوعاً خطرزا و اختلاف‌آفرین است. قانون‌گذار با تأکید بر رفع غرر، سلامت معامله را تضمین می‌کند. در معاملات مربوط به گامت انسانی، اگرچه برخی ویژگی‌ها ممکن است مجهول باشند، اما عرف و کارشناسان با علم تقریبی به مقدار و کیفیت، معامله را معتبر می‌دانند و رفع غرر را محقق‌شده تلقی می‌کنند (Katouzian, 2010a; Mousavi, 2019).

شرط دیگر، معین بودن مال مورد معامله است. بند سوم ماده ۱۹۰ قانون مدنی تصریح می‌کند که موضوع معامله باید معین باشد و نمی‌تواند مردد میان دو یا چند شیء باشد. در مرحله قبل از اخذ تخمک، معین بودن شخص اهداکننده کفایت می‌کند، اما پس از اخذ، باید تخمک به صورت عین معین مشخص شود. با توجه به روش‌های آزمایشگاهی، این امر به راحتی قابل تحقق است و عرف نیز آن را معین تلقی می‌کند (Ja'fari Langaroudi, 2020). تسلیم مال نیز باید مقدور باشد. مواد ۳۶۷ تا ۳۶۹ قانون مدنی، تسلیم را به معنای قرار دادن مال تحت اختیار مشتری تعریف کرده‌اند. در مورد اسپرم، تخمک و جنین بالقوه، با بهره‌گیری از روش‌های علمی، امکان تسلیم عرفی آن‌ها به متعهدله یا منتقل‌الیه وجود دارد و این شرط نیز قابل تحقق است (Katouzian, 2019; M. Rostami, 2021). شرط نهایی، مالکیت انتقال‌دهنده بر مال مورد معامله است. مالکیت، رابطه‌ای اعتباری میان شخص و مال است که امکان تصرف حقوقی را فراهم می‌سازد. اگرچه برخی معتقدند انسان مالک واقعی فرآورده‌های

«عین» در حقوق، به اموالی اطلاق می‌شود که وجود خارجی داشته و با حواس قابل درک باشند. تخمک انسانی، به کمک تجهیزات پزشکی، قابل مشاهده و تشخیص است و در صورت نگهداری در محیط آزمایشگاهی، به عنوان «عین معین» قابل شناسایی است. بنابراین، در شرایطی که اسپرم یا تخمک از شخصی اخذ شده و به صورت جداگانه یا ترکیبی نگهداری می‌شود، می‌توان آن‌ها را «عین معین» دانست. در تعهداتی که موضوع آن کلی است، وجود مال در زمان عقد ضروری نیست و کافی است مقدار، جنس و وصف آن معلوم باشد (ماده ۳۴۲ قانون مدنی). در تعهد به کلی در معین، مال باید از مصادیق مشخصی انتخاب شود که اجزای آن از هر حیث با هم برابر باشند. پرسش مهم این است که اگر موضوع تعهد، اسپرم یا تخمک شخص معینی باشد که هنوز اخذ نشده، آیا می‌توان آن را کلی در معین دانست؟

با توجه به تعریف کلی که «مالی است که صفات آن در ذهن معین و در عالم خارج صادق بر افراد عدیده باشد» (Katouzian, 2010b)، می‌توان گفت که تعیین فرد اهداکننده، موجب تعیین اوصاف اسپرم یا تخمک می‌شود. در نتیجه، گامت آن شخص معین، واجد شرایط موضوع تعهد خواهد بود، هرچند در زمان عقد، به صورت بالقوه موجود باشد. یکی از شروط اساسی مال بودن، قابلیت نقل و انتقال آن است. موضوع تعهد باید مالی باشد که به حکم قانون قابل انتقال باشد؛ زیرا هر چیزی که قانون آن را منع کرده باشد، از نظر حقوقی فاقد اثر بوده و تصرفات حقوقی در آن غیرممکن است. در خصوص اسپرم، تخمک و جنین بالقوه، با توجه به فقدان ممنوعیت صریح قانونی، می‌توان گفت که این عناصر زیستی از قابلیت انتقال برخوردارند و مانعی برای انجام معاملات حقوقی در خصوص آن‌ها وجود ندارد (Ahmadi, 2018; Katouzian, 2019). شرط دیگر، معلوم بودن موضوع معامله است. ماده ۲۱۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد که مورد معامله نباید مبهم باشد، مگر در موارد خاص که علم اجمالی کافی است.

زیستی خود نیست و مالکیت حقیقی از آن خداوند است، اما در حقوق عرفی، انسان بر اعضا و فرآورده‌های بدن خود سلطه دارد و می‌تواند در چارچوب قانونی، آن‌ها را موضوع معامله قرار دهد. این دیدگاه، با پذیرش اصل اختیار انسان در فقه و حقوق اسلامی نیز هم‌خوانی دارد (Katouzian, 2019; M. S. Sharifi, 2022).

با توجه به اینکه مالکیت خداوند نسبت به هستی مطلق، انحصاری و غیرقابل مشارکت است، هر نوع سلطه‌ای که انسان بر اشیاء و اموال دارد، در واقع نیابتی و غیرحقیقی است. خداوند به عنوان خالق، مالک حقیقی اشیاء است و انسان به عنوان خلیفه و مأذون، در محدوده احکام و مقررات شرع، حق تصرف دارد. این حق تصرف، از نوع سلطه مأذون در امور اذنی است که در آن فرد می‌تواند در چارچوب اذن، هرگونه تصرفی داشته باشد (Mohaghegh Damad, 2014a, 2014b). در عرف نیز نوع اضافه‌ای که در رابطه با اعضا و جوارح انسان به کار می‌رود، «اضافه ملکی» است؛ مانند «دست اکبر»، «چشم من» یا «خون تو». این نوع تعبیرات نشان‌دهنده نوعی مالکیت اعتباری است که عرف برای انسان نسبت به اعضای بدن و فرآورده‌های بیولوژیکی‌اش قائل است (Rashidi, 2010b). از سوی دیگر، همان‌طور که مالیت امری اعتباری است، ملکیت نیز چنین است. ناچیزی یک دانه گندم ممکن است آن را از دایره مالیت خارج کند، اما این امر نباید به‌طور مطلق مانع از اعتبار ملکیت شود. برخی معتقدند که اجزای یک مال، حتی اگر به‌صورت جداگانه فاقد مالیت باشند، در ترکیب با یکدیگر می‌توانند مالیت پیدا کنند؛ چرا که قوام کل به اجزای آن وابسته است (Najafi, 1983).

با توجه به تعریف «ملک» که دلالت بر قدرت و اقتدار شخص بر چیزی دارد (Ibn Fāris, 1983)، می‌توان گفت که همین که اختیار و سلطه بر موضوع معامله در ید ناقل باشد و وی بتواند آزادانه در آن تصرف کند، عرف این رابطه را به‌عنوان ملکیت

اعتباری تلقی می‌کند. بنابراین، معاملات نباید از منظر فلسفی یا عرفانی تحلیل شوند، بلکه باید بر اساس مفاهیم عرفی و حقوقی مورد بررسی قرار گیرند. از دیدگاه تکوینی نیز، انسان هرچند مالک حقیقی نیست، اما به‌عنوان نایب خداوند، در محدوده احکام شرعی، حق تصرف در فرآورده‌های بیولوژیکی بدن خود از جمله اسپرم، تخمک و جنین بالقوه را دارد. عرف نیز این سلطه را به رسمیت می‌شناسد و آن را نوعی مالکیت اعتباری تلقی می‌کند. در نتیجه، انسان می‌تواند در چارچوب مقررات قانونی و شرعی، تصرفات مادی و حقوقی در این عناصر داشته باشد.

از مجموع این مباحث می‌توان نتیجه گرفت که از نظر حقوقی، اسپرم، تخمک و جنین بالقوه می‌توانند در قراردادهای موضوع معامله یا تعهد قرار گیرند. مالیت، امری اعتباری است که با اعتبار عقلا تحقق می‌یابد. هرگاه عقلا برای چیزی منفعت عقلایی قائل شوند، آن چیز مالیت پیدا می‌کند. برای مثال، یک دانه گندم به‌تنهایی مالیت ندارد، اما وقتی به حد معینی برسد، عرف آن را مال تلقی می‌کند (Rashidi, 2010b).

در امور اعتباری، برخلاف امور تکوینی، نمی‌توان حکم کرد که مالیت کل مستلزم مالیت اجزاست. بلکه باید دید «معتبر» چه چیزی را با چه شرایطی اعتبار می‌کند. مالیت و ملکیت هر دو از امور اعتباری هستند و تابع اعتبار عرف و عقلا می‌باشند.

چالش‌های صحت قرارداد اهدای تخمک

بر اساس اصل حاکمیت اراده، اشخاص می‌توانند با اختیار و آزادی، پس از ارزیابی سود و زیان، اقدام به انعقاد قرارداد نمایند. در این بخش، با فرض اعتبار و قابلیت اجرای قرارداد اهدای تخمک، به بررسی موانعی پرداخته می‌شود که ممکن است صحت این قرارداد را با تردید مواجه سازند. اصل صحت معاملات، که پس از احراز شرایط اساسی صحت در حد ظن جاری می‌شود، در این‌گونه قراردادها نیز قابل اعمال است؛ اما وجود برخی موانع حقوقی و فقهی ممکن است مانع از اجرای این اصل گردد.

است؛ چرا که بسیاری از معاملات امروزی در گذشته نامتعارف بوده‌اند. همچنین، پیشرفت‌های علمی و پزشکی، امکان چنین معاملاتی را فراهم کرده‌اند. بنابراین، متعارف بودن نباید ملاک صحت یا بطلان معامله باشد.

عموم آیه «اوفوا بالعقود»^۱ و قاعده فقهی «المؤمنون عند شروطهم»^۲ (Mousavi Bojnourdi, 1980) شامل قراردادهایی می‌شود که در زمان شارع وجود نداشته‌اند. برای صحت معاملات مستحذنه، کافی است که نهی شرعی در خصوص آن وجود نداشته باشد. در نتیجه، نامتعارف بودن نمی‌تواند مانع صحت قرارداد باشد و آنچه اهمیت دارد، وجود منفعت نوعیه و عرفیه است.

۴. **هتک حرمت انسان.** یکی دیگر از چالش‌های مطرح‌شده، نگرانی از هتک حرمت انسان است. انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات، دارای مقام و منزلتی است که باید حفظ شود. انجام معاملاتی که منجر به تحقیر شخصیت انسانی شود، با اصول اخلاقی و نظم عمومی در تعارض است و می‌تواند موجب بطلان قرارداد گردد (Rashidi, 2010a, 2010b). با این حال، باید توجه داشت که اگر چنین معاملاتی در چارچوب قانونی و با رعایت کرامت انسانی انجام شوند، نمی‌توان آن‌ها را مصداق هتک حرمت دانست.

در اینکه انسان موجودی شریف و دارای حیثیت است و باید از هر عملی که موجب تنزل مقام انسانی و هتک حرمت او گردد جلوگیری شود، تردیدی وجود ندارد. با این حال، همان‌طور که پیش‌تر در بررسی قراردادهای اهدای تخمک از منظر نظم عمومی و اخلاق حسنه اشاره شد، نمی‌توان این قراردادها را مصداق بارز هتک حرمت انسان دانست. این قراردادها غالباً غیرمعوّض بوده و انگیزه اصلی در انعقاد آن‌ها، اهداف انسان‌دوستانه، نوع‌دوستانه و شرافتمندانه است. عمل اهدای تخمک، زمانی که به‌صورت

۱. **فقدان مالیت.** یکی از شروط اساسی صحت معامله، مال بودن موضوع آن است. برخی معتقدند که اسپرم و تخمک از نظر عرفی مال محسوب نمی‌شوند و جزو دارایی شخصی به شمار نمی‌آیند. از این منظر، مقام انسانی فراتر از آن است که فرآورده‌های بیولوژیکی بدنش مال تلقی شوند. بنابراین، چنین معاملاتی به دلیل فقدان مالیت، باطل دانسته می‌شوند. با این حال، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اگرچه ارزش اقتصادی باید جنبه نوعی و همگانی داشته باشد، اما هیچ مانعی وجود ندارد که شیء مورد نظر در رابطه خاص میان طرفین قرارداد، ارزش مالی داشته باشد؛ به‌ویژه اگر انگیزه معامله عقلایی و مشروع باشد (Katouzian, 2019).

۲. **فقدان مالکیت.** شرط دیگر صحت معامله، مالکیت انتقال‌دهنده بر مال مورد معامله است. انسان تنها در صورتی می‌تواند در چیزی تصرف کند که مالک آن باشد. برخی دیدگاه‌ها بر این اساس استوارند که انسان مالک اعضا و جوارح خود نیست و مالکیت حقیقی از آن خداوند است (Rashidi, 2010b). با این حال، می‌توان گفت که انسان به‌عنوان خلیفه و مأذون الهی، در محدوده احکام شرع، دارای نوعی مالکیت اعتباری بر فرآورده‌های زیستی بدن خود است و حق تصرف در آن‌ها را دارد.

۳. **غیرمتعارف بودن.** ممکن است استدلال شود که معاملات رایج در جوامع، مربوط به اموالی هستند که دادوستد آن‌ها متعارف و مأنوس است؛ در حالی که معامله گامت یا جنین بالقوه انسانی چنین ویژگی‌ای ندارد. برخی فقهای شیعه، از جمله محقق اردبیلی، در تحلیل بطلان خرید و فروش اشیاء فاقد منفعت، به نامتعارف بودن آن‌ها اشاره کرده‌اند (A. Moqaddas Ardabili, 1990; M. Moqaddas Ardabili, 1990). اما این استدلال قابل نقد

۱-سوره مائده، آیه ۱

۲-از قواعد فقهی مشهور است که در فقه اسلامی کاربرد فراوان دارد. این قاعده برگرفته از حدیثی نبوی است و به این معناست که

. مؤمنان باید به تعهدات و شروطی که پذیرفته‌اند پایبند باشند

یک طرفه و بدون چشم‌داشت مالی انجام می‌شود، جلوه‌ای از ایثار، از خودگذشتگی و معنویت‌گرایی است. فرد اهداکننده، با هدف کمک به زوج نابارور و رهایی آنان از رنج‌های ناشی از ناباروری، گامت خود را اهدا می‌کند؛ عملی که نه تنها هتک حرمت انسانی محسوب نمی‌شود، بلکه زمینه تحقق آرزوهای انسانی را فراهم می‌سازد. وجود انگیزه‌های شرافتمندانه از سوی اهداکننده و قصد مشروع زوج نابارور برای تولد فرزند، موجب می‌شود که این قراردادها از شمول معاملات تحقیرآمیز خارج شوند.

ضرر احتمالی ناشی از این قراردادها، با تنظیم مقررات دقیق و نظارت‌های قانونی، قابل کنترل و کاهش است. در مقابل، منافع حاصل از این قراردادها برای فرد، خانواده و جامعه بسیار گسترده‌تر است و می‌توان آن را در چارچوب مصلحت عمومی توجیه کرد. از منظر فقهی نیز دیدگاهی وجود دارد مبنی بر اینکه انسان در حال حیات، در صورت وجود مصلحت شرعی، می‌تواند با بدن خود رفتار کند. نهی شارع تنها در مورد قتل نفس وارد شده و در موارد پایین‌تر، دلیلی بر حرمت وجود ندارد، جز حدیث «لا ضرر و لا ضرار» (Mo'men, 1995a, 1995b). با توجه به اینکه عمل اهداکننده هیچ‌گونه ضرری برای وی در پی ندارد و تأثیری در فعالیت‌های فیزیکی او نمی‌گذارد، این عمل با دیدگاه فوق سازگار است. بنابراین، با توجه به عدم وجود نهی شرعی و وجود مصلحت عقلایی و اجتماعی در انعقاد این‌گونه قراردادها، می‌توان حکم به جواز آن‌ها داد. این جواز، نه تنها با اصول فقهی و اخلاقی در تعارض نیست، بلکه در راستای تحقق کرامت انسانی و حمایت از خانواده‌های نابارور نیز قابل دفاع است.

ممنوع بودن معاوضه یا خرید و فروش خون در فقه

در فقه اسلامی، بسیاری از فقها خرید و فروش و هرگونه بهره‌برداری از خون را حرام دانسته‌اند. این دیدگاه عمدتاً مبتنی بر استناد به کتاب، سنت و اجماع است. منشأ این نظریه را می‌توان در شرایط تاریخی و فرهنگی گذشته جست‌وجو کرد؛ به‌ویژه در

میان اعراب، که استفاده از خون عمدتاً به آشامیدن محدود بوده و کاربردهای درمانی یا علمی برای آن متصور نبوده است. از این رو، فقها به ذکر حرمت خون در ردیف نجاسات بسنده کرده‌اند و کمتر به تحلیل تفصیلی آن پرداخته‌اند. با توجه به کشف منافع گسترده برای خون انسان در عصر حاضر، به‌ویژه در حوزه پزشکی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا ادله حرمت، شامل بهره‌برداری‌های نوین نیز می‌شود یا صرفاً ناظر به خوردن و استفاده تغذیه‌ای است.

۱. کتاب. آیات متعددی در قرآن کریم بر حرمت خون دلالت دارند، از جمله آیه ۱۷۳ سوره بقره، آیه ۳ سوره مائده، آیه ۱۴۵ سوره انعام و آیه ۱۱۵ سوره نحل. در برخی از این آیات، حرمت خون با عبارت «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَیْكُمْ» به صورت حصر بیان شده است. با این حال، با توجه به تعبیر «دماً مسفوحاً» در آیه ۱۴۵ سوره انعام، روشن می‌شود که منظور از حرمت، خونی است که در هنگام ذبح از حیوان خارج می‌شود و نه مطلق خون (Khomeini, 2013a, 2013b; Mortazavi Langaroudi, 2016). از ظاهر این آیات، حرمت مطلق استفاده از خون قابل برداشت نیست؛ بلکه حرمت ناظر به «اکل» و استفاده تغذیه‌ای است. بنابراین، بهره‌برداری‌های غیرتغذیه‌ای مانند استفاده‌های درمانی یا علمی، از شمول این حرمت خارج‌اند.

۲. سنت. فقها برای اثبات حرمت خرید و فروش خون، به روایاتی چون «إن الله إذا حرم شیئاً حرم ثمنه» استناد کرده‌اند. اما این روایت از نظر سند ضعیف و مرسل است و در منابع معتبر شیعه نیز به صورت قطعی نیامده است (Khomeini, 2013b). همچنین، دلالت آن بر حرمت مطلق انتفاع روشن نیست و ممکن است صرفاً ناظر به مواردی باشد که طهارت شرط است یا منفعت حرامی در نظر باشد. روایات دیگری نیز وجود دارد که در آن‌ها امامان معصوم (ع) برخی اجزای حیوان را حرام دانسته‌اند، از جمله خون، دنبان، سپرز و... (Shaykh Hurr Amili, 1988) اما این روایات نیز غالباً ناظر به حرمت خوردن این اجزا هستند و نه مطلق بهره‌برداری

غیرمعوّض است، اما می‌توان شرط عوض را به‌عنوان تعهد فرعی در قرارداد درج کرد، بدون آن‌که ماهیت عقد تغییر کند. ماده ۸۰۳ قانون مدنی حق رجوع واهب را در صورت بقای عین موهوبه مجاز می‌داند، مگر در موارد استثنایی. در قراردادهای اهدای تخمک، تبدیل تخمک به جنین یا انتقال آن به رحم، موجب از بین رفتن عین موهوبه و در نتیجه سقوط حق رجوع می‌شود. همچنین، با توجه به منع قانونی سقط جنین، رجوع پس از انتقال جنین به رحم عملاً غیرممکن است. از منظر تطبیق با بیع، تفاوت اصلی در معوض بودن بیع و غیرمعوّض بودن هبه است. با این حال، درج شرط عوض در هبه می‌تواند به‌نوعی شباهت عملکردی با بیع ایجاد کند، به‌ویژه در مواردی که پرداخت مالی به‌عنوان جبران هزینه‌ها صورت می‌گیرد (Katouzian, 2010b).

۲. صلح. بر اساس ماده ۷۵۲ قانون مدنی، صلح می‌تواند در مورد رفع تنازع یا معامله و غیر آن واقع شود. عقد صلح در حقوق ایران، عقدی لازم و مستقل است که محدود به رفع اختلاف نیست. در قراردادهای اهدای تخمک، اهداکننده می‌تواند به‌عنوان مصالح، عین تخمک یا حق بهره‌برداری از آن را به زوج نابارور صلح کند. ماده ۷۵۷ قانون مدنی صلح بلاعوض را نیز پذیرفته است، بنابراین صلح در این زمینه می‌تواند بدون پرداخت مالی صورت گیرد. با این حال، اگر پرداختی از سوی زوج نابارور انجام شود، باید به‌صورت شرط عوض در ضمن عقد درج گردد تا ماهیت صلح حفظ شود و از شائبه بیع و تعارض با نظم عمومی جلوگیری شود. از منظر تطبیق با بیع، صلح معوض شباهت زیادی به بیع دارد، اما انعطاف‌پذیری بیشتر آن در تعیین موضوع و شروط، امکان تنظیم دقیق‌تر روابط طرفین را فراهم می‌سازد (M. Rostami, 2021).

۳. وکالت. مطابق ماده ۶۵۶ قانون مدنی، وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌سازد. در قراردادهای اهدای تخمک، اهداکننده می‌تواند به مؤسسه درمانی وکالت دهد تا تخمک را به زوج نابارور منتقل کند.

یا خرید و فروش آن‌ها. امام خمینی و شیخ انصاری نیز تصریح کرده‌اند که نهی از بیع خون در این روایات، منصرف به خوردن است و نه مطلق بیع (Khomeini, 2013b; Shaykh Ansari, 1990).

۳. اجماع. برخی فقها، از جمله علامه حلی، فخرالمحققین و فاضل مقداد، بر حرمت خرید و فروش خون به اجماع استناد کرده‌اند (Allameh Hilli, 1989a, 1989b; Fāzel, 1983a, 1983b) اما این اجماع، مدرکی است و نه تعبدی؛ یعنی مبتنی بر همان روایاتی است که پیش‌تر به ضعف سند و دلالت آن‌ها اشاره شد. همچنین، اجماع مذکور ناظر به زمانی است که خون فاقد منفعت عقلایی بوده و صرفاً برای خوردن مورد استفاده قرار می‌گرفته است (Khoei, 1989). بنابراین، در صورتی که خون دارای منفعت عقلایی و حلال باشد، مانند استفاده‌های درمانی در پزشکی نوین، حرمت خرید و فروش آن قابل دفاع نیست و ادله حرمت شامل آن نمی‌شود.

تحلیل حقوقی قالب‌های قابل انطباق با قرارداد خرید و فروش تخمک

با توجه به فقدان مقررات صریح در قانون ایران در خصوص قراردادهای مربوط به خرید و فروش تخمک، بررسی امکان انطباق این نوع قراردادها با نهادهای حقوقی موجود ضروری است. در این راستا، چهار قالب حقوقی—هبه، صلح، وکالت و قرارداد خصوصی موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی—قابل بررسی هستند. تحلیل این قالب‌ها از منظر قابلیت تطبیق با بیع، به‌ویژه در خصوص ماهیت مالی تخمک، حق تصرف، امکان رجوع، و آثار انتقال، صورت می‌گیرد.

۱. هبه. مطابق ماده ۷۹۵ قانون مدنی، هبه عقدی است که به موجب آن مالی به‌صورت رایگان به دیگری تملیک می‌شود. در قراردادهای اهدای تخمک، اهداکننده به‌عنوان واهب و زوج نابارور به‌عنوان متبّع می‌تواند عقد هبه‌ای منعقد کنند. اگرچه هبه ذاتاً

این وکالت می‌تواند مطلق یا مقید باشد. وکالت از عقود جایز است و با فوت یا فسخ از سوی هر یک از طرفین منحل می‌شود. بنابراین، اگر اهداکننده پیش از انجام عمل فوت کند یا از وکالت رجوع نماید، مؤسسه حق بهره‌برداری از تخمک را از دست خواهد داد. این ویژگی، وکالت را از منظر ثبات و دوام قرارداد، در مقایسه با بیع، در موقعیت ضعیف‌تری قرار می‌دهد (Katouzian, 2019).

۴. قرارداد خصوصی (موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی). بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی، قراردادهای خصوصی که مخالف صریح قانون نباشند، نافذ هستند. در این چارچوب، قرارداد اهدای تخمک می‌تواند به صورت توافقی مستقل میان اهداکننده و مؤسسه درمانی تنظیم شود. این قرارداد می‌تواند شامل تعهدات طرفین، نحوه مصرف، و شروط مالی یا اخلاقی باشد. در صورتی که پرداختی از سوی زوج نابارور انجام شود، باید به گونه‌ای تنظیم گردد که ماهیت قرارداد را از حالت تبرعی خارج نکند و با نظم عمومی و اخلاق حسنه در تعارض نباشد. این قالب، بیشترین انعطاف را در تنظیم روابط قراردادی دارد و می‌تواند با رعایت اصول حقوقی، به عنوان جایگزین بیع عمل کند.

با توجه به تحلیل‌های حقوقی و فقهی ارائه شده در خصوص قراردادهای خرید و فروش تخمک، می‌توان گفت که این موضوع در نظام حقوقی ایران نیازمند تفکیک دقیق مراحل و بازخوانی مفهومی در چارچوب قواعد حقوق مدنی و اصول فقه امامیه است. نخست باید میان دو مرحله اساسی در فرایند اهدای تخمک تمایز قائل شد: مرحله اول، تحویل سلول‌های جنسی (تخمک یا اسپرم) به مراکز درمان ناباروری، و مرحله دوم، بارورسازی آزمایشگاهی و انتقال جنین به رحم متقاضی.

در مرحله نخست، اگر نازایی به عنوان نوعی بیماری تلقی شود، اقدام فرد اهداکننده در تحویل سلول‌های جنسی به مراکز درمانی، بخشی از فرایند درمان محسوب می‌شود و دارای منفعت عقلایی است. از منظر حقوقی، این اقدام قابلیت انطباق با نهاد بیع را دارد،

زیرا سلول‌های جنسی انسان به تنهایی انسان محسوب نمی‌شوند و از حیث فقهی و حقوقی، موضوع تملک و انتقال قرار می‌گیرند. اطلاق واژه «اهدا» بر این عمل، بیشتر جنبه عرفی و روان‌شناسانه دارد و تغییری در ماهیت حقوقی آن ایجاد نمی‌کند؛ مشابه آنچه در «اهدای کلیه» یا «اهدای خون» نیز مشاهده می‌شود. در این مرحله، انعقاد قرارداد خصوصی میان اهداکننده و مرکز درمانی، مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است و می‌تواند شامل پرداخت عوض نیز باشد. دریافت عوض در قبال مشارکت در فرایند درمان، نه تنها با کرامت انسانی در تعارض نیست، بلکه از منظر حقوقی، مصداق معامله‌ای عقلایی و مشروع است.

در مرحله دوم، یعنی پس از تشکیل جنین و انتقال آن به رحم، ماهیت حقوقی موضوع تغییر می‌کند. جنین، ولو در مرحله دو سلولی، از حیث فقهی دارای حرمت و کرامت خاص است و اطلاق عنوان «مال» یا «موضوع معامله» بر آن، با اصول فقه امامیه در تعارض قرار می‌گیرد. استفاده از قالب‌هایی چون بیع، هبه، صلح یا اعراض برای انتقال جنین، با کرامت انسان و نظم عمومی مغایرت دارد. در این مرحله، انتقال جنین به رحم باید به عنوان بخشی از سیر درمان تلقی شود و نه موضوع قرارداد مالی. بنابراین، تنها مرحله اول قابلیت تحلیل حقوقی در قالب قراردادهای مالی را دارد و مرحله دوم باید خارج از حوزه معاملات تلقی شود.

با این تفکیک، روشن می‌شود که قراردادهای مربوط به اهدای تخمک در مرحله اول، با رعایت اصول فقهی و اخلاقی، قابلیت انطباق با نهادهای حقوقی مانند بیع، صلح، یا قرارداد خصوصی را دارند. اما این حوزه با چالش‌های بنیادین مواجه است. نخستین چالش، مسأله مالیت و مالکیت تخمک است. بر اساس فقه امامیه، بدن انسان دارای حرمت ذاتی است و اعضای آن نمی‌توانند موضوع مالکیت حقیقی باشند؛ زیرا تعلق بدن به خالق است. از این منظر، خرید و فروش اعضای بدن با اصل کرامت انسانی در

تعارض است. با این حال، برخی فقها با استناد به قاعده «الناس مسلطون علی أموالهم و أنفسهم» و اصل برائت، اهدای تخمک را در صورت فقدان جنبه تجاری، جایز می‌دانند.

در حوزه حقوقی، فقدان مقررات صریح و جامع در ایران، چالش عمده‌ای محسوب می‌شود. این خلأ منجر به شکل‌گیری بازارهای غیررسمی شده که با تهدیدهای حقوقی، اخلاقی و پزشکی همراه است. نبود نمونه قراردادهای استاندارد، فقدان نظارت کافی، و عدم شفافیت در حقوق طرفین، سلامت حقوقی فرزندان متولدشده را نیز در معرض خطر قرار داده است. از منظر اخلاقی، رعایت کرامت انسانی، سلامت جسمانی و روانی اهداکننده و دریافت‌کننده، و جلوگیری از استثمار مالی، از اصول اساسی در تنظیم این نوع قراردادهاست. همچنین، پیشگیری از ایجاد بازار سیاه و سوءاستفاده‌های احتمالی، وظیفه‌ای مهم برای قانون‌گذار و نهادهای نظارتی است.

بر اساس این تحلیل، پیشنهاد می‌شود تدوین مقررات صریح و جامع در خصوص اهدای تخمک، طراحی نمونه قراردادهای استاندارد و قابل اجرا، توسعه سازوکارهای نظارتی و اخلاقی در مراکز درمان ناباروری، و افزایش همکاری میان فقها، حقوقدانان و متخصصان پزشکی برای تدوین چارچوبی مشروع، متعادل و انسانی در دستور کار قرار گیرد. این رویکرد، ضمن حفظ کرامت انسانی، می‌تواند راهی عملی و حقوقی برای ساماندهی این حوزه حساس و نوپدید باشد.

ابعاد اخلاقی و اجتماعی قراردادهای خرید و فروش تخمک

در مقام یک مفسر حقوقی و با تمرکز بر موضوع تحقیق «تحلیل حقوقی قراردادهای خرید و فروش تخمک در نظام حقوقی ایران»، می‌توان ابعاد اخلاقی و اجتماعی این نوع قراردادها را به‌عنوان لایه‌های مکمل تحلیل حقوقی تلقی کرد؛ لایه‌هایی که نه تنها در تفسیر مشروعیت و اعتبار قرارداد مؤثرند، بلکه در تعیین حدود و ضوابط قانونی نیز نقش بنیادین دارند. در قرن حاضر، با گسترش

روش‌های درمان ناباروری و ورود فناوری‌های زیستی به حوزه تولیدمثل، قراردادهای خرید و فروش تخمک به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور، در تقاطع فقه، حقوق، اخلاق و جامعه‌شناسی قرار گرفته‌اند. این قراردادها به دلیل ارتباط مستقیم با حیات انسانی، سلامت جسمی و روانی زنان اهداکننده، و آثار بلندمدت بر ساختار خانواده و نسب، مستلزم بررسی چندوجهی و دقیق هستند.

از منظر اخلاق پزشکی و مبانی فقه اسلامی، اصل حفظ کرامت انسانی در صدر ملاحظات قرار دارد. تخمک، به‌عنوان بخشی از بدن انسان، واجد حرمت ذاتی است و نمی‌توان آن را صرفاً به‌عنوان کالایی قابل معامله تلقی کرد. تجاری‌سازی اجزای بدن انسان، از جمله تخمک، با اصول اخلاقی و فقهی در تعارض است و موجب تنزل شأن انسانی می‌شود. بر این اساس، هرگونه قرارداد در این زمینه باید مبتنی بر رضایت آگاهانه، تضمین سلامت جسمی و روانی اهداکننده، و اجتناب از فشارهای روانی و اقتصادی باشد. این شروط، نه تنها در اخلاق پزشکی بلکه در حقوق قراردادهای نیز به‌عنوان شروط صحت و نفوذ قرارداد قابل استنادند و فقدان آن‌ها می‌تواند موجب بطلان یا عدم قابلیت اجرا گردد.

از منظر اجتماعی، قراردادهای خرید و فروش تخمک در بستر نابرابری‌های اقتصادی و فقدان حمایت‌های قانونی، زمینه‌ساز آسیب‌های جدی هستند. بازارهای غیررسمی و فاقد نظارت، بیش از همه زنان آسیب‌پذیر و کم‌درآمد را هدف قرار می‌دهند و امکان بهره‌کشی مالی و اجبار اقتصادی را افزایش می‌دهند. این وضعیت، نه تنها عدالت اجتماعی را خدشه‌دار می‌کند، بلکه سلامت روانی و خانوادگی افراد را نیز تهدید می‌نماید. در حقوق عمومی، چنین پیامدهایی می‌تواند مصداق نقض نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد و موجب عدم اعتبار قرارداد گردد.

در سطح هویتی و حقوقی، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، تعیین نسب، حق ارث، و حمایت‌های قانونی کودکان حاصل از تخمک‌اهدایی است. فقدان مقررات روشن در این زمینه، زمینه‌ساز اختلافات

خانوادگی، آسیب‌های روان‌شناختی، و پیچیدگی‌های حقوقی در تعیین هویت فردی و اجتماعی کودک خواهد بود. از منظر حقوق مدنی، نسب و ارث از آثار طبیعی عقد نکاح و ولادت مشروع هستند و هرگونه خلأ قانونی در این زمینه، می‌تواند موجب تزلزل در نظام حقوقی خانواده گردد.

بر اساس این تحلیل، تدوین چارچوب‌های حقوقی و اخلاقی دقیق برای قراردادهای اهدای تخمک، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. این چارچوب‌ها باید ضمن حفظ کرامت انسانی، سلامت جسمی و روانی اهداکنندگان و دریافت‌کنندگان را تضمین کرده و حقوق کودک متولدشده را به‌صورت کامل تأمین نمایند. همکاری میان نهادهای فقهی، حقوقی، پزشکی و اجتماعی برای تصویب و اجرای این مقررات، و همچنین آموزش حقوقی و پزشکی ذی‌نفعان، از الزامات بنیادین ساماندهی این حوزه است. در نهایت، پذیرش اهدای تخمک در قالبی غیرتجاری و با رعایت ملاحظات اخلاقی و اجتماعی، می‌تواند راهی مشروع و انسانی برای رفع ناباروری و حفظ انسجام حقوقی خانواده در نظام حقوقی ایران باشد.

با توجه به فقدان مقررات صریح در خصوص خرید و فروش تخمک انسانی در نظام حقوقی ایران، تحلیل این نوع قراردادها مستلزم رجوع به قواعد عمومی قراردادها، اصول فقهی، و ملاحظات اخلاقی و پزشکی است. در این بخش، یک نمونه قرارداد خرید و فروش تخمک با هدف درمان ناباروری، از منظر حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. ماهیت حقوقی قرارداد

قرارداد خرید و فروش تخمک انسانی، در چارچوب اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها، مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی، قابل انعقاد است؛ مشروط بر آنکه مفاد آن با قانون، شرع یا نظم عمومی مغایرت نداشته باشد. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد کرده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است». با توجه به فقدان مقررات

خاص در نظام حقوقی ایران پیرامون خرید و فروش اجزای انسانی با اهداف درمانی، چنین قراردادهایی در زمره عقود معین قرار نمی‌گیرند و در قالب قراردادهای غیرمعین و توافقی، مشمول قواعد عمومی قراردادها محسوب می‌شوند. با این حال، موضوع معامله یعنی «تخمک انسانی» از حیث فقهی و حقوقی محل مناقشه است. برخی فقها آن را از مصادیق اجزای بدن دانسته و معامله آن را ممنوع می‌دانند، با استناد به قاعده «عدم جواز فروش اعضای بدن»، در حالی که برخی دیگر با تکیه بر اصل تسلط انسان بر بدن خود (قاعده سلطنت) و رضایت آگاهانه، آن را مجاز تلقی می‌کنند. این اختلاف نظر، نشان‌دهنده خلأ تقنینی در این حوزه است و ضرورت تدوین مقررات خاص و شفاف در زمینه قراردادهای مرتبط با اجزای انسانی را برجسته می‌سازد؛ به‌ویژه در مواردی که هدف از معامله، درمان ناباروری و حفظ بنیان خانواده باشد.

۲. اهلیت و رضایت طرفین

مطابق مواد ۲۱۰ و ۲۱۱ قانون مدنی، اهلیت قانونی و رضایت آگاهانه طرفین برای انعقاد قرارداد از شرایط اساسی صحت معامله محسوب می‌شود. ماده ۲۱۰ مقرر می‌دارد: «برای صحت معامله، طرفین باید اهلیت داشته باشند»، و ماده ۲۱۱ تأکید می‌کند: «عقود و معاملات باید با قصد انشاء و رضای طرفین واقع شود». در قراردادهای مربوط به خرید تخمک، فروشنده باید از سلامت جسمی و روانی برخوردار بوده و رضایت وی بدون اجبار، اغوا یا فشار اقتصادی حاصل شده باشد. در عمل، پرداخت مبالغ قابل توجه توسط مراکز درمانی به زنان جوان، به‌ویژه در شرایط اقتصادی نامساعد، ممکن است مصداق اجبار اقتصادی یا سوءاستفاده از وضعیت مالی تلقی شود که مشروعیت رضایت را مخدوش می‌سازد و موجب تردید در اعتبار حقوقی قرارداد می‌گردد.

۳. مشروعیت موضوع قرارداد

وجه منوط به تحقق شرط نتیجه، یعنی انجام موفقیت‌آمیز برداشت و تأیید سلامت تخمک‌ها توسط مرکز درمانی است که مطابق ماده ۲۳۴ قانون مدنی، از نوع شروط ضمن عقد محسوب می‌گردد. همچنین، خریدار موظف است پرداخت را طبق جدول زمان‌بندی توافق‌شده انجام دهد و از هرگونه تأخیر یا امتناع غیرموجه، که مغایر با اصل حسن نیت در اجرای تعهدات (ماده ۹۵۶ قانون مدنی) است، خودداری نماید.

فروشنده موظف است کلیه آزمایش‌های پزشکی و ژنتیکی مورد نیاز را جهت تأیید سلامت عمومی و تخصصی انجام دهد و در جلسات برداشت تخمک طبق برنامه زمان‌بندی مرکز درمانی حضور یابد. این تعهدات از مصادیق تعهد به فعل بوده و در صورت عدم ایفای آن، مشمول ضمانت اجرای ماده ۲۱۹ قانون مدنی خواهد بود. همچنین، فروشنده به موجب ماده ۱۰ قانون مدنی و در چارچوب اصل رضایت آگاهانه، صراحتاً از هرگونه ادعای حقوقی، نسبی یا والدگری نسبت به فرزند حاصل از تخمک‌های منتقل‌شده صرف‌نظر می‌نماید. این شرط اسقاط حق، با اصول اخلاق زیستی و ماده ۹۷۵ قانون مدنی (عدم مخالفت قرارداد با نظم عمومی و اخلاق حسنه) منطبق بوده و از منظر حقوق خصوصی معتبر است.

مرکز درمانی به عنوان نهاد تخصصی، مکلف است فرآیند برداشت، ذخیره‌سازی و انتقال تخمک‌ها را مطابق با ضوابط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انجام دهد. این تعهد در راستای اصل ۲۹ قانون اساسی (حق برخورداری از خدمات درمانی) و ماده ۹۵۷ قانون مدنی (اهلیت اشخاص در بهره‌مندی از خدمات پزشکی) قابل استناد است. حفظ محرمانگی اطلاعات شخصی و پزشکی طرفین قرارداد از الزامات قانونی و اخلاقی مراکز درمانی بوده و بر اساس ماده ۶۴۸ مصوب سال ۱۳۷۵ قانون مجازات

موضوع قرارداد عبارت است از انتقال تخمک‌های بالغ و سالم از فروشنده به خریدار جهت بهره‌برداری در فرآیند لقاح آزمایشگاهی (IVF) با هدف درمان ناباروری، مشروط به تأیید سلامت تخمک‌ها توسط مرکز درمانی. بر اساس ماده ۲۱۵ قانون مدنی، «موضوع معامله باید مشروع باشد، وگرنه معامله باطل است.» در قرارداد حاضر، موضوع معامله یعنی تخمک انسانی، به‌عنوان بخشی از بدن انسان، از منظر فقهی و حقوقی در زمره اموال قابل معامله قرار نمی‌گیرد مگر در موارد خاص نظیر اهدای عضو با رضایت و رعایت ملاحظات اخلاقی و پزشکی. در صورتی که هدف از انتقال تخمک، درمان ناباروری و حفظ بنیان خانواده باشد، می‌توان مشروعیت موضوع قرارداد را با استناد به اصل ضرورت و قاعده «الضرورات تبیح المحظورات»^۱ (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۲۲۵) تقویت نمود. با این حال، استفاده از تخمک برای اهداف تجاری، انتقال به اشخاص ثالث، یا بهره‌برداری مالی گسترده، مشروعیت قرارداد را زیر سؤال می‌برد و ممکن است با اصل کرامت انسانی، منع بهره‌برداری تجاری از بدن انسان، و قواعد نظم عمومی تعارض داشته باشد.

مطابق ماده ۹۷۵ قانون مدنی، «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و قراردادهای خصوصی را که مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد، به موقع اجرا گذارد»، و از این رو، مشروعیت موضوع قرارداد باید با اصول اخلاقی، فقهی و قانونی تطبیق داده شود تا از بروز تعارضات حقوقی جلوگیری گردد.

۴. تعهدات فروشنده، خریدار و مرکز درمانی

خریدار در قرارداد خرید تخمک، متعهد به پرداخت مبلغ توافق‌شده به ازای هر واحد تخمک می‌باشد؛ این تعهد مالی در قالب عقد معوض، با استناد به ماده ۳۳۸ قانون مدنی (بیع) و ماده ۱۰ همان قانون (اصل آزادی قراردادها)، الزام‌آور تلقی می‌شود. پرداخت

۱- اگر مکلف در شرایطی قرار گیرد که برای حفظ جان، مال، یا عرض خود ناچار به ارتکاب حرامی شود، آن حرام در آن شرایط مباح می‌گردد.

اسلامی (تعزیرات)، هرگونه افشای اطلاعات بدون رضایت طرفین تخلف و جرم محسوب می‌شود. ارائه گزارش‌های تخصصی پزشکی به طرفین در طول فرآیند درمان نیز در چارچوب اصل رضایت آگاهانه و ماده ۱۰ قانون مدنی، از تعهدات حرفه‌ای مراکز درمانی به شمار می‌رود.

۵. مدت و شرایط فسخ قرارداد

مدت اعتبار قرارداد از تاریخ امضای آن آغاز شده و تا پایان فرآیند درمان ناباروری ادامه خواهد داشت. این مدت، به عنوان عنصر زمانی در تعهدات قراردادی، مطابق ماده ۲۱۹ قانون مدنی، لازم‌الاتباع بوده و طرفین مکلف به رعایت آن هستند. حداکثر مدت اعتبار قرارداد شش ماه تعیین گردیده است، مگر آنکه با توافق کتبی طرفین تمدید شود. چنین تمدیدی، در قالب توافق الحاقی، مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی بوده و از حیث حقوقی معتبر است. تعیین مدت معین برای قرارداد، علاوه بر ایجاد قطعیت در روابط طرفین، با اصول نظم عمومی قراردادها و ضرورت تعیین محدوده زمانی تعهدات درمانی منطبق می‌باشد.

فسخ قرارداد در موارد خاص و با رعایت ضوابط قانونی امکان‌پذیر است. نخست، در صورت عدم تأیید سلامت تخمک‌ها توسط مرکز درمانی، که به منزله عدم تحقق شرط نتیجه مندرج در ماده ۲۳۴ قانون مدنی است، قرارداد قابل فسخ خواهد بود. این وضعیت، از مصادیق تعلیق تعهدات و زوال موضوع معامله محسوب می‌شود. دوم، در صورت انصراف مکتوب هر یک از طرفین پیش از انجام فرآیند برداشت تخمک، قرارداد قابل فسخ است؛ این حق فسخ، در قالب شرط ضمن عقد و با استناد به ماده ۴۴۹ قانون مدنی (فسخ به اراده یکی از طرفین در صورت پیش‌بینی)، معتبر تلقی می‌گردد. اعمال فسخ باید به صورت کتبی و مستند انجام شود تا از منظر حقوقی قابل اثبات باشد و با اصول دادرسی منصفانه منطبق گردد.

۶. آثار حقوقی قرارداد و مسئولیت‌های ناشی از آن

در قراردادهای مرتبط با خرید و فروش تخمک انسانی، تعیین دقیق مسئولیت‌های حقوقی طرفین از حیث الزامات قانونی و آثار مدنی آن، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. مطابق ماده ۲۱۹ قانون مدنی، «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم‌مقام آنان لازم‌الاتباع است»، و بر همین اساس، تعهدات ناشی از قرارداد باید به صورت روشن و قابل اجرا تعریف گردد. بر اساس اصل حاکمیت اراده و قواعد عمومی قراردادها، فروشنده (اهداننده تخمک) در قبال سلامت بیولوژیک و ژنتیکی تخمک‌های منتقل‌شده، خریدار در قبال پرداخت ثمن مقرر، و مرکز درمانی در قبال اجرای صحیح فرآیندهای پزشکی و رعایت اصول حرفه‌ای و اخلاقی، مسئولیت مستقیم دارند. عدم تصریح این مسئولیت‌ها در متن قرارداد، می‌تواند زمینه‌ساز بروز اختلافات حقوقی گردد، به‌ویژه در مواردی که فرزند حاصل از تخمک دچار نقص ژنتیکی یا بیماری مادرزادی شود، یا فرآیند درمان منجر به نتیجه مطلوب نگردد.

در چنین مواردی، امکان طرح دعوای مسئولیت مدنی بر اساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ وجود دارد، که مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به جان یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده است، لطمه‌ای وارد کند، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

۷. حق والدگری و نسب در قراردادهای مربوط به تخمک

انسانی

یکی از پیچیده‌ترین ابعاد حقوقی قراردادهای خرید و فروش تخمک، مسئله نسب و حق والدگری است. مطابق قواعد فقهی حاکم بر نظام حقوقی ایران، نسب به صاحب ماده ژنتیکی تعلق دارد؛ بدین معنا که در صورت استفاده از تخمک فرد ثالث، حتی اگر حامل جنین شخص دیگری باشد، نسب شرعی به اهداننده تخمک منتسب می‌شود. این مبنا در آرای فقهی مبتنی بر قاعده

«الولد للفراش» و اصل «تبعیت نسب از منشأ ژنتیکی» استوار است. بنابراین، شرط قراردادی مبنی بر «عدم ادعای حقوقی فروشنده نسبت به فرزند حاصل» در صورتی که با قواعد آمره فقهی و حقوقی تعارض داشته باشد، فاقد اثر الزام آور خواهد بود. به موجب ماده ۹۷۵ قانون مدنی، «محکمه نمی تواند قوانین خارجی و قراردادهای خصوصی را که مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد، به موقع اجرا گذارد»، و از این رو، شرط مذکور در صورت مغایرت با اصول نسب، قابل ابطال است.

۸. محرمانگی اطلاعات و حفظ حریم خصوصی

با توجه به ماهیت شخصی، پزشکی و اخلاقی قراردادهای مربوط به تخمک انسانی، رعایت اصل محرمانگی اطلاعات طرفین از الزامات قانونی و حرفه ای مراکز درمانی محسوب می شود. این الزام، ریشه در قواعد مسئولیت مدنی و اصول اخلاق پزشکی دارد. بر اساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، افشای اطلاعات شخصی یا پزشکی طرفین بدون رضایت آنان، مصداق لطمه به حیثیت و حقوق فردی بوده و موجب مسئولیت مدنی مرکز درمانی خواهد بود. همچنین، بر اساس ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، افرادی که در جریان انجام وظایف حرفه ای خود به اسرار بیماران مطلع می شوند، موظف به حفظ این اسرار بوده و هرگونه افشای اطلاعات بدون رضایت طرفین، نقض تعهد و جرم تلقی می شود که مستوجب پیگرد قانونی است.

۹. مرجع حل اختلاف

تعیین مرجع حل اختلاف در قراردادهای خصوصی، از الزامات حقوقی و یکی از عناصر اساسی در تضمین اجرای مفاد قرارداد محسوب می شود. مطابق ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی، طرفین می توانند با توافق، حل اختلافات ناشی از قرارداد را به داوری ارجاع دهند. همچنین، ماده ۱۰ قانون مدنی نیز با تأکید بر اصل آزادی قراردادهای، امکان تعیین مرجع رسیدگی را در چارچوب توافق طرفین فراهم می سازد. در قرارداد فرضی خرید و فروش

تخمک، شورای حل اختلاف محل اقامت خریدار به عنوان مرجع رسیدگی اولیه تعیین شده است. با این حال، با توجه به ماهیت تخصصی موضوع قرارداد که شامل مسائل پزشکی، اخلاقی و ژنتیکی است، ارجاع اختلافات به مراجع عمومی قضایی ممکن است منجر به اطلاع دادرسی، صدور آرای غیرتخصصی، و تضییع حقوق طرفین گردد.

از این رو، پیشنهاد می شود در متن قرارداد، امکان ارجاع اختلافات به داوری تخصصی یا کمیته های اخلاق پزشکی وابسته به مراکز درمانی یا سازمان نظام پزشکی نیز پیش بینی شود. چنین ترتیبی، ضمن حفظ استقلال و بی طرفی در رسیدگی، می تواند با بهره گیری از دانش تخصصی، منجر به حل و فصل مؤثر و عادلانه اختلافات گردد.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس تحلیل های انجام شده در این پژوهش، قراردادهای خرید و فروش تخمک در نظام حقوقی ایران در وضعیت تعارض آمیز میان ضرورت های درمانی و ملاحظات فقهی، حقوقی، اخلاقی و اجتماعی قرار دارند. این تعارض، نه صرفاً ناشی از فقدان قانون، بلکه حاصل پیچیدگی ماهوی تخمک به عنوان یک فرآورده زیستی انسانی است که هم در قلمرو حقوق خصوصی قرار می گیرد و هم در حوزه حرمت شرعی و کرامت انسانی.

۱- قراردادهای خرید و فروش تخمک در نظام حقوقی ایران در تعارضی عمیق میان نیازهای درمانی و ملاحظات فقهی، حقوقی، اخلاقی و اجتماعی قرار دارند.

۲- ماهیت تخمک به عنوان یک فرآورده زیستی انسانی، جایگاه ویژه ای در حقوق خصوصی و حرمت شرعی دارد که پیچیدگی های فراوانی موجب می شود.

۳- تحلیل های فقهی و حقوقی نشان می دهد که قراردادهای غیرتجاری، مبتنی بر رضایت آگاهانه و رعایت موازین فقهی و

حقوقی، به ویژه در مرحله نخست فرایند درمان (تحويل تخمک به مراکز درمانی)، مشروع و معتبر هستند.

۴- مرحله تشکیل جنین و انتقال آن به رحم از منظر فقهی و اخلاقی حساس است و معامله بر جنین از نظر شرعی مردود بوده و باید صرفاً به عنوان فرایندی درمانی تلقی شود.

۵- فقدان قوانین جامع و نهادهای نظارتی کارآمد، زمینه‌ساز شکل‌گیری بازار سیاه و بروز آسیب‌های حقوقی و اخلاقی متعدد شده است.

۶- تدوین قوانین دقیق و شفاف با همکاری فقها، حقوقدانان و پزشکان، ایجاد ساختارهای نظارتی تخصصی، و آموزش جامع ذی‌نفعان برای حفظ کرامت انسانی و سلامت حقوقی ضروری است.

۷- ایجاد هماهنگی مستمر میان فناوری‌های نوین پزشکی و مبانی فقهی-حقوقی، زمینه‌ساز پیشرفت علمی هم‌زمان با رعایت حق و کرامت انسانی خواهد بود.

پیشنهادهای

برای ساماندهی حقوقی و فقهی قراردادهای خرید و فروش تخمک در ایران، ضروری است مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ، چندلایه و مبتنی بر اصول شرعی، حقوقی، اخلاقی و اجتماعی به‌صورت هم‌زمان طراحی و اجرا شود. در اینجا با توجه به هدف تحقیق، جهت بهبود روند قراردادهای خرید و فروش تخمک در نظام حقوقی ایران ارائه گردید.

۱- تدوین الگوی حقوقی استاندارد برای قراردادهای زیستی با رعایت قواعد عمومی قراردادها و اصول فقهی و اخلاقی، که شامل مشخصات اهلیت طرفین، رضایت آگاهانه، محرمانگی اطلاعات، حق والدگری، و مرجع حل اختلاف باشد. استفاده از واژگان دقیق حقوقی نباید مغفول بماند تا شفافیت و قابلیت استناد قراردادها ارتقا یابد. ۲- اعتبارسنجی حقوقی و روان‌شناختی طرفین قرارداد،

شامل احراز اهلیت قانونی و رضایت آزادانه، تشکیل پرونده حقوقی - روان‌شناختی توسط مراکز درمانی، اخذ رضایت‌نامه‌های با تأیید تخصصی از مشاور حقوقی و روان‌شناس بالینی، همچنین برگزاری جلسات توجیهی جهت آگاهی طرفین.

۳- ایجاد نهاد تخصصی و مستقل نظارت بر قراردادهای، پیشنهاد می‌شود ضمن راه‌اندازی «کمیته نظارت بر قراردادهای زیستی» در وزارت بهداشت یا سازمان نظام پزشکی، همه قراردادهای به صورت دقیق ثبت و گزارش‌دهی شوند. این کمیته موظف به بررسی حقوقی، پزشکی و اخلاقی قراردادهای و گزارش‌گیری از مراکز درمانی است.

۴- پیش‌بینی سازوکارهای حل اختلاف تخصصی و جبران خسارت، با تعیین هیئت داوری پزشکی-حقوقی به عنوان مرجع حل اختلاف در قرارداد، و پیش‌بینی دقیق روش‌های جبران خسارت در مواردی مانند بیماری ژنتیکی کودک یا نقض تعهدات طرفین.

۵- اصلاحات تقنینی ضروری است؛ پیشنهاد تدوین و تصویب لایحه حمایت از قراردادهای زیستی که شامل خرید و فروش تخمک، اسپرم و جنین باشد و ضوابط حقوقی، فقهی، اخلاقی و کیفری را به صورت جامع پوشش دهد. این لایحه می‌تواند با الهام از تجارب حقوقی کشورهای اسلامی و اسناد بین‌المللی مرتبط، چارچوب قانونی مستحکمی ایجاد کند. اجرای هماهنگ و چندلایه این راهکارها، همپوشانی حقوقی و فقهی قراردادها را بهبود داده، حقوق طرفین و کودکان متولد شده را تضمین کرده و از آسیب‌های حقوقی، اخلاقی و اجتماعی جلوگیری خواهد کرد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The increasing prevalence of infertility treatments and the expansion of assisted

reproductive technologies have led to the emergence of novel legal challenges in the Iranian legal system, among which egg donation sale contracts represent one of the most complex and controversial issues. The legal ambiguity surrounding these contracts arises from the absence of explicit statutory provisions and the divergence of jurisprudential opinions regarding the permissibility and ownership status of human gametes. The core question is whether the female ovum can be legally considered as “property” and, consequently, be the subject of a sale contract under Iranian Civil Law. This study aims to clarify the legal nature of egg donation sale contracts by analyzing their compatibility with the essential elements of valid contracts such as consent, subject matter, ownership, and legitimacy. The analysis integrates both jurisprudential reasoning and civil law doctrines to determine whether such contracts can be recognized within the framework of enforceable legal agreements. The research employs a descriptive–analytical method based on library resources, focusing on Iranian jurisprudence and legislative texts to identify the legal foundations and obstacles related to these contracts. The findings indicate that while the law does not expressly prohibit the transaction of human biological materials, significant ambiguity remains regarding their characterization as property and the implications of human dignity in contractual relations involving bodily elements. Furthermore, the interpretation of principles such as “la darar wa la dirar” and “al-nas masallatoun ala amwalihim” play a pivotal role in reconciling medical necessity with ethical and religious considerations (Katouzian, 2010b; Khomeini, 2013b).

In determining the property status of the human ovum, the study examines the conceptual framework of “property” (māl) under the Iranian Civil Code and classical

jurisprudence. Iranian civil law lacks a single comprehensive definition of property, but legal scholars generally agree that property includes anything that possesses economic value and can satisfy human needs (Ja'fari Langaroudi, 2020). This broad interpretation allows for the inclusion of intangible assets and movable corporeal items, provided they can be legally possessed and transferred. The ovum, although a biological component of the human body, can be considered a tangible and perceptible object when isolated in a laboratory environment, thus satisfying the criterion of “ayn-e mo'ayyan” (a determinate object). Following this reasoning, the sale or transfer of ova can meet the requirements for determinacy and deliverability under Articles 342 and 367 of the Civil Code. However, issues arise concerning ownership, as some jurists argue that the human body and its parts are under divine ownership, and therefore the individual merely exercises custodianship or stewardship over them (Mohaghegh Damad, 2014b; Rashidi, 2010b). Others, however, maintain that since individuals have control and authority over their bodies, they may exercise limited ownership for legitimate purposes such as medical treatment or altruistic donation (Katouzian, 2019; M. S. Sharifi, 2022). The analysis therefore concludes that the ovum may attain the status of property insofar as it yields a rational and socially recognized benefit, aligning with the criterion of “manfa'at-e 'aqlani” under customary practice.

The study also identifies several conditions necessary for the validity of egg donation contracts. One of these is the requirement of informed consent, which ensures the authenticity of the parties' intention and the absence of coercion or exploitation, particularly given the vulnerability of donors in socio-economic distress. Another is the legitimacy of the subject matter, as Article 215 of the Civil Code stipulates that the object of a

contract must be lawful. Here, the concept of “lawfulness” is intricately linked with both Sharia and moral principles. Since Islamic jurisprudence emphasizes the sanctity of the human body, transactions that commercialize its components could be deemed inconsistent with human dignity (Rashidi, 2010a). Nevertheless, when the transfer of ova serves a therapeutic purpose—namely, enabling infertile couples to conceive—it may be justified under the principle of necessity (“al-darurat tubih al-mahzurat”), thus rendering the act permissible. The principle of contract freedom enshrined in Article 10 of the Civil Code allows parties to form contracts not explicitly defined in law, provided they do not contravene public order or moral standards. Therefore, egg donation agreements, when framed as non-commercial, altruistic transactions consistent with medical ethics, can fall within the ambit of permissible private contracts (Katouzian, 2019; Mousavi Bojnourdi, 1980).

In evaluating the contractual frameworks applicable to egg donation, four legal models are explored: *hiba* (gift), *ṣulḥ* (amicable settlement), *wakālah* (agency), and private contracts under Article 10. Each model carries distinct implications for ownership transfer, consideration, and revocability. The *hiba* model, regulated under Article 795 of the Civil Code, entails the gratuitous transfer of property and can accommodate altruistic donations of ova; however, revocation under Article 803 becomes impossible once the ovum has been fertilized or transferred, as the original subject ceases to exist. The *ṣulḥ* framework, according to Article 752, is more flexible and may involve consideration while maintaining a lawful and non-commercial character, thereby aligning with ethical requirements. The agency model permits the donor to authorize a medical institution to manage the retrieval and transfer process, yet it is inherently revocable, reducing its legal

certainty. Ultimately, the Article 10 private contract model offers the greatest adaptability, enabling parties to structure terms concerning compensation, confidentiality, and medical oversight, so long as these terms do not conflict with Sharia or public morality (Katouzian, 2010a; M. Rostami, 2021).

The study further explores jurisprudential and ethical objections concerning the sale of bodily materials, particularly the analogy between ova and blood. The historical prohibition of blood sale in Islamic jurisprudence was grounded in the Quranic injunctions against consuming blood—“daman masfuhan”—which referred specifically to blood shed during slaughter, rather than all uses of blood (Khomeini, 2013b; Mortazavi Langaroudi, 2016). Classical jurists, including Allameh Hilli and Fāzel, extended the prohibition to sale based on the weakly transmitted hadith “inna Allah ḥarrama shay’an ḥarrama thamana,” yet contemporary interpretations limit this prohibition to contexts involving impurity or alimentary use (Allameh Hilli, 1989b; Fāzel, 1983a). By analogy, the use of ova for therapeutic and reproductive purposes does not violate these prohibitions, provided that the transaction upholds human dignity and avoids commodification. Therefore, the jurisprudential foundations do not categorically preclude the transfer of ova, as long as it is conducted under ethical medical supervision and without exploitation. This interpretive evolution exemplifies how Islamic jurisprudence adapts to new biomedical realities while preserving fundamental moral principles (Khoei, 1989; A. Moqaddas Ardabili, 1990).

From a socio-legal standpoint, the study identifies multiple policy gaps that necessitate legislative reform. The absence of explicit regulations governing egg donation has led to the proliferation of informal arrangements, posing risks to donor safety, child legitimacy, and the enforceability of rights among parties.

Furthermore, inconsistencies between medical practice and religious interpretations have fostered uncertainty among practitioners and the judiciary alike. Addressing these challenges requires a multi-tiered approach involving the codification of standardized contracts, the creation of specialized oversight committees within the Ministry of Health, and the inclusion of bioethical guidelines in legal procedures. Comparative analyses suggest that harmonization between medical regulations and jurisprudential norms enhances the legitimacy and stability of reproductive technologies (Ahmadi, 2018; N. Sharifi, 2022). Ethical imperatives demand that contracts include safeguards for informed consent, confidentiality, and fair compensation while prohibiting any form of coercion or commercialization. The authors advocate for a legal model that recognizes the unique nature of biological materials—neither purely commercial commodities nor entirely non-proprietary entities—and thus establishes a balanced regime of conditional transfer under medical supervision.

References

- Adl, A. (2006). *Hoghoogh-e Madani: Ashkhas va Amval (Civil Law: Persons and Property)*. Mizan Publishing.
- Adl, H. (2006). *Fiqh va Ahkām-e Pezeshki (Jurisprudence and Medical Rulings)*. Islamic Publications Office.
- Ahmadi, M. (2018). Legal Analysis of the Financial Value (Māliyyat) of Human Gametes in Infertility Treatment Contracts. *Iranian Journal of Medical Law*, 20(2), 45-62.
- Allameh Hilli, H. (1989a). *Tadhkirat al-Fuqahā' (The Memorial of the Jurists)* (Vol. 2). Dar Ihya' al-Turath al-Arabi.
- Allameh Hilli, H. (1989b). *Tahrir al-Ahkam (Editing the Rulings)*. Dar al-Murtada.
- Fāzel, M. (1983a). *Kanz al-'Irfān fī Fiqh al-Qur'ān (The Treasury of Gnosis in the Jurisprudence of the Quran)* (Vol. 5). Islamic Publishing Institute.
- Fāzel, M. (1983b). *Tanqīh al-Rā'i' (Refining the Splendid)*. Dar al-I'tisam.
- Ibn Fāris, A. (1983). *Mu'jam Maqāyīs al-Lughah (Dictionary of the Standards of Language)* (Vol. 1). Dar al-Fikr.
- Ja'fari Langaroudi, M. J. (2020). *Terminologi-ye Hoghoogh (Legal Terminology)*. Ganj-e Danesh.
- Katouzian, N. (2010a). *Hoghoogh-e Madani: Qawā'id 'Umūmī-ye Qarārdādāh (Civil Law: General Rules of Contracts)*. Enteshar Publishing Company.
- Katouzian, N. (2010b). *Qawā'id 'Umūmī-ye Qarārdādāh (General Rules of Contracts)*. Enteshar Publishing Company.
- Katouzian, N. (2019). *Nazariyeh-ye 'Umūmī-ye Ta'ahhudāt (General Theory of Obligations)*. Mizan Publishing.
- Khoei, A. (1989). *Mustanad al-'Urwah al-Wuthqā (The Authority for the Firmest Handle)* (Vol. 1). Institute for the Revival of Ayatollah Khoei's Works.
- Khomeini, R. (2013a). *Al-Makasib al-Muharramah (Forbidden Earnings)* (Vol. 1). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, R. (2013b). *Tahrir al-Wasilah (Liberation of the Means)* (Vol. 1). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mo'men, M. (1995a). *Fiqh-e Pezeshki va Hoghoogh-e Badan-e Insan (Medical Jurisprudence and the Law of the Human Body)*. Islamic Culture and Thought Research Institute.
- Mo'men, M. (1995b). *Qā'idat Lā Darar wa Lā Dirār dar Fiqh-e Eslami (The Rule of No Harm in Islamic Jurisprudence)*. Bustan-e Ketab Institute.
- Mohaghegh Damad, M. (2014a). *Fiqh-e Pezeshki (Medical Jurisprudence)*. SAMT Publishing.
- Mohaghegh Damad, M. (2014b). *Hoghoogh-e Pezeshki dar Fiqh va Hoghoogh-e Eslami (Medical Law in Islamic Jurisprudence and Law)*. SAMT Publishing.
- Moqaddas Ardabili, A. (1990). *Majma' al-Fā'idah wa al-Burhān fī Sharḥ Irshād al-Adhhān (The Collection of Benefit and Proof in the Commentary on the Guidance of Minds)* (Vol. 5). Islamic Publishing Institute.
- Moqaddas Ardabili, M. (1990). *Al-Fā'idah wa al-Burhān (The Benefit and the Proof)*. Islamic Publishing Institute.
- Mortazavi Langaroudi, S. M. (2016). *Barresi-ye Fiqhi va Hoghooghi-ye Kharid va Foroush-e Khūn (A Jurisprudential and Legal Study of the Buying and Selling of Blood)*. Fiqh and Law Publications.
- Mousavi Bojnourdi, S. M. (1980). *Qawā'id Fiqhiyyah (The Jurisprudential Rules)*. Orouj Institute.
- Mousavi, S. M. (2019). Legal Study of Infertility Treatment Contracts with a Focus on Gamete Donation. *Judiciary Legal Journal*, 25(4), 115-132.
- Najafi, M. H. (1983). *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'i' al-Islām (The Jewels of Speech in the Commentary on the Laws of Islam)* (Vol. 22). Dar al-Kutub al-Islamiya.
- Rashidi, M. (2010a). Human Ownership over Body Parts and Organs from a Jurisprudential and

- Legal Perspective. *Quarterly Journal of Legal Knowledge*, 11(4), 123-133.
- Rashidi, M. (2010b). A Jurisprudential and Legal Study of the Financial Value and Property of Human Body Parts. *Journal of Islamic Jurisprudence and Law*, 7(2), 121-135.
- Rostami, F. (2021). A Comparative Study of Oocyte Donation Contracts with Iranian Legal Institutions. *Fiqhi and Legal Researches*, 12(1), 89-104.
- Rostami, M. (2021). Legal Review of Oocyte Donation Contracts in Iranian Law. *Quarterly Journal of Medical Law*, 18(2), 75-98.
- Sharifi, M. S. (2022). A Jurisprudential Study and Commercialization of Oocyte Donation. *Quarterly Journal of Economic Jurisprudence Studies*, 8(2), 115-134.
- Sharifi, N. (2022). The Concept of Property (Māl) in Iranian Law and Its New Challenges. *Journal of Legal Knowledge*, 18(3), 33-50.
- Shaykh Ansari, M. (1990). *Al-Makasib (The Earnings)*. Islamic Publishing Institute.
- Shaykh Hurr Amili, M. (1988). *Wasa'il al-Shi'ah (The Means of the Shi'a)* (Vol. 16). Āl al-Bayt Institute for the Revival of Heritage.